

متن پرسش

بسمه تعالی موضوع معارف دین: با سلام: در ابتدا از حضرتعالی تشکر می‌کنم و از خداوند ملحق شدن جنابعالی را به شهداء مسألت نمی‌کنم چون شم اشهید بشید چه کسی پاسخ شبهاتمان را می‌دهد. نهایتا و از خداوند مسألت می‌کنم خداوند اجر مداد العلما افضل من دماء الشهداء را نصیب شما فرماید شاید اینطور بهتر باشد. اما شبهه و مشکل حقیر: مدتی است که در اثر مطالعات شدید فلسفی و عرفانی و خواندن تضاد مکاتب مخصوصا مکتب تفکیک و معارضان فلسفه و عرفان دچار ضعف اعصاب، مالیخولیا و انقطاع از محیط شدم. به خودم گفتم بگذار معارضان و متکلمان هرچه می‌خواهند بگویند قابل ترحم هستند اینها هم تشنه حقیقت هستند کوشش آنها همین است و بحث را تمام کردم و الا بجنون می‌رسیدم. از آن طرف در دهشت و وحشت معارف عمیق عرفانی افتادم. مثلا علامه تهرانی در مبحث معاد در هنگام نیستی در ذات خداوند جوری می‌گوید هینئا لهم که گویا مثلا من در چمن پارک دارم لذت می‌برم از یکی شدن با طبیعت ناسلامتی، ذات اقدس است این علم را به دهشت و وحشت کامل می‌برد خدایا. فنا در ذات دهشت و وحشت است و بقا ببقاءت دهشتناک تر... هرکسی را می‌بینم یا هر چیزی می‌گم به یک تعین ظاهر شد. مردم را خندان می‌بینم می‌گم بخندید بیچاره ها یک پوستی از کله تان کنده می‌شود که حتی فکرش را هم نکنید برزخ و عذاب و کتاب هیچ، قرار فانی در ذات بشید. شما و ما مثل مرغهایی هستیم که قراره به قربانگاه و وحشت برویم من فهمیدم قاطی کردم شما نفهمیدید خوش بحالتون. خلاصه کنم بعید میدونم اولیاءالهی علامات مالیخولیایی شبیه من از خودشان صادر کرده اند بعد اینکه فهمیدند چه خبر است تازه بالفرض اینکه بگویم کلام عارف حجت است که البته معصوم هم نیست. علی‌ای حال راه خارج شدن از این زندان مالیخولیای وسواس فکری چیست قطعا بیماری است در این هیچ شکی ندارم بزرگان ما می‌گفتن می‌خندیدن و بشر مثلکم بودند. اما سیر علمی من مشکل دارد. ذهنم بیمار شده، حتی ذهنم گفته بابا جان همه سر کارید و حق با مادیدگرا هاست لا خبر جاء و لا وحی نزل، نه پروردگاری هست و نه معادی! خوب مشخص هست سیم ها اتصالی کرده اند. بهتر نیست مدتی حواشی را کنار بگذارم و بپردازم مثلا مطالعه در علم اخلاق، احوال بزرگان و غیره، کلا ذهن بیمارم را چکار کنم مثل کامپیوتری که ویروس گرفته، در روز نهد و نود و نه شبهه تولید می‌کند ... از کار و زندگی افتادم، اومدیم از چاله خروج از الحاد و اثبات صانع و مبدا و معاد خارج شیم افتادیم در جنگ تفکیک و عرفان از جنگ تفکیک و عرفان خارج شدیم بعلت ضیق صدر و ضعف اعصاب افتادیم در دهشت و وحشت و اضطراب کلام عارفان. با تشکر

باسمه تعالی: سلام علیکم: شما با خودتان روبه‌روئید و آن‌ها هم با خودشان. نظر کنید به رهبر معظم انقلاب، ببینید می‌توانید در جهان او، خود را داشته باشید؟ جهانی نورانی و مقید به دیانت و مخالفت با استکبار. اگر خود را در آن جهان قرار دهید، به سرعت از پل صراط به سوی بهشت سیر می‌کنید، به همان معنایی که در آن روایت مشهور داریم: «حَبِّ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ، لَا يُضَرُّهُ سَيِّئَةٌ وَ بَغْضِ عَلِيٍّ سَيِّئَةٌ، لَا يَنْفَعُهُ الْحَسَنَةُ». موفق باشید